

درس دهم: نام نیکو



کنجکاو: جست و جو گر

جست و جو کننده: جست و جو کننده

شبانگاه: به هنگام شب

خیال انگیز: آن چه سبب تخیل می شود

بکشد: (در دفتر آن ها نیز بکشد) نقاشی کند، طراحی کند

استعداد: ذوق، توانایی

فوق العاده: غیر عادی، غیر معمولی

قلم مو: قلم مو دار مخصوص نقاشی

مشغول کرد: او را به انجام کار وادار کرد

دلنشین: خوشایند، پستدیده

زمزمه: زیر لب سخن گفتن

سبیده دم: سحرگاه، بامداد

هیجان: شور، ذوق، اشتیاق

شفافیت: صاف و روشن بودن، آشکار بودن

سختی گوه: محکم بودن گوه

خشت: آجر خام

تحسین آمیز: همراه با ستایش و افرین

تشویق: تحسین، افرین گفتن

مراقب: نگهبان

آفت: آسیب، بلا، زیان

غرور: در این درس به معنی خود خواهی و مغرور شدن است

نیم رخ: نصف صورت، منظره نصف چهره

کارش گره خورد: کنایه از دچار مشکل شدن

ضامن آهو: لقب امام رضاع

ضامن: کسی که مسئولیت کاری را می پذیرد، نگهداری و مراقبت کننده از چیزی

کله: رمه چهارپایان

سرخ شده بود: در این درس خجالت کشیده بود

بی سبرانه: بدون تحمل، بدون شکیبایی

به به: کلمه تحسین، افرین

مطمئن: آرام، آسوده، با اطمینان

نام آشنا: شناخته شده، معروف، مشهور

نگاره: نقش، صورت، نقاشی

سوغوار: مصیبت زده، اندوهگین، ماتم زده

ستوده اند: ستایش کرده اند، تحسین کرده اند

ضایع: تباه شده، تلف شده